

«مهارت بین فرهنگی»

در کتاب‌های درسی آموزش زبان

آلمانی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی ایران*



نیلوفر مبصر، کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی، عضو
هیئت علمی گروه زبان آلمانی، دانشگاه تهران
Email: mobasser@ut.ac.ir
آیدا سعیدی توکلی، دانشجوی دکتری آموزش زبان
آلمانی، دانشگاه تهران
Email: aidatavakoli@yahoo.com

چکیده

آموزش زبان خارجی در مدارس، به منظور آن است که دانش‌آموزان با یک زبان و فرهنگ خارجی آشنا شوند و بتوانند ارتباطی صحیح به شکل مستقیم و غیرمستقیم با گویشوران آن زبان برقرار کنند؛ به گونه‌ای که از ایجاد سوءتفاهم‌های احتمالی پیش‌گیری شود. نوشته‌ی حاضر به بررسی کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی از منظر انتقال «مهارت بین فرهنگی» می‌پردازد و راهکارهایی را در این خصوص ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مهارت بین فرهنگی، آموزش زبان خارجی، ارتباط، سوءتفاهم

Abstract

Der Fremdsprachenunterricht dient in den iranischen Schulen zum Kennenlernen einer fremden Sprache und Kultur, interkultureller Kommunikation und die Vorbeugung von Missverständnissen. In der vorliegenden Arbeit werden in Anlehnung der durchgeführten Untersuchung von iranischen Schulbüchern im Fach Deutsch einige Fragen im Bereich der interkulturellen Kompetenz thematisiert. Der mögliche Umgang mit den angesprochenen Problemen bilden den letzten Teil dieser Abhandlung.

Schlüsselwörter: Interkulturelle Kompetenz, Fremdsprachenunterricht, Kommunikation, Missverständnisse

مقدمه

اوایل دهه‌ی ۷۰ (قرن بیستم میلادی) شرایطی ایجاد شد که آموزش زبان به روش سنتی، یعنی حفظ واژگان، ترجمه جملات و آموزش قواعد دستوری، دیگر پاسخ‌گوی نیازهای جامعه نبود. شرایط جدید پس از جنگ جهانی دوم، به مهاجرت مردم و نزدیک‌تر شدن کشورها از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به یکدیگر انجامید. برقراری ارتباطات گسترده، رشد وسایل ارتباط جمعی و جهش رسانه‌های دیجیتال، اهمیت یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی را به شکل جدی و بسیار گسترده نمایان ساخت. در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان، بررسی روش‌های سنتی آموزش زبان خارجی با هدف شناخت نقاط ضعف و برطرف کردن آن‌ها در دستور کار قرار گرفت. در نهایت، نظریه‌پردازان آموزش زبان‌های خارجی، به ناکارآمدی شیوه‌های سنتی که بر آموزش دستور زبان و حفظ واژگان تأکید داشت پی بردند و با تغییر در برنامه‌ریزی‌های درسی، بر اهمیت توانایی برقراری ارتباط زبان‌آموزان با متکلمان زبان مقصد، تأکید ورزیدند.

ارتباط بین زبان و فرهنگ

برای روشن شدن مفهوم «مهارت بین فرهنگی»، لازم است ابتدا در مورد ارتباط بین زبان و فرهنگ، توضیحاتی ارائه شود. البته نحوه‌ی این ارتباط، در علوم‌ی مانند زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی، مبحث بسیار گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. با توجه به گستردگی موضوع، در نوشته‌ی حاضر تنها بخش کوچکی از این مبحث که در ارتباط با موضوع این مقاله است، مورد بحث قرار می‌گیرد. تعاریفی که برای واژه‌ی «فرهنگ» ارائه شده‌اند، از نظریه‌های متفاوتی نشئت می‌گیرند. ملاک مقیاس و سنجش واژه‌ها برای هر فرد، زمینه‌ی فرهنگی آن فرد است.

واژه‌ی «فرهنگ» امروزه علاوه بر این که در علوم متفاوت و به شکل تخصصی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در زندگی روزمره نیز به کار گرفته می‌شود. در واقع، واژه‌ی «فرهنگ» واژه‌ای است با تعابیر بسیار گسترده و بدون مرزهای مشخص که در تمامی زوایای زندگی اجتماعی و علمی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. عده‌ی کثیری از صاحب‌نظران و نویسندگان به تعریف و مرزبندی «فرهنگ» اهتمام ورزیده‌اند، اما از آن‌جا که موضوع این مقاله بررسی تعاریف گوناگون «فرهنگ» نیست، لذا به یکی از متداول‌ترین تعاریف که در

حوزه‌ی آموزش زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بسنده می‌کنیم: «فرهنگ مجموعه‌ای از تفاوت‌های بارز و اتفاقات در زندگی روزمره در خانواده‌هایی از قشر متوسط تا ضعیف اجتماعی است که در محیطی به دور از تنش و در فرصت‌های متفاوت رخ می‌دهد؛ در کنار جغرافیا و تاریخ سرزمین مورد مطالعه» [Byram, 1989: 20].

«فرهنگ» و «زبان» را نمی‌توان جدا از یکدیگر دانست. یادگیری، بدون آشنایی با فرهنگی که زبان در آن کاربرد دارد، به معنی عدم موفقیت در استفاده از آن است. تعاریفات، رعایت احترام، توجه به مسائل دینی و نظایر آن، همگی ریشه در فرهنگ جامعه دارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

هومبولت^۱ معتقد است که افراد در سایه‌ی زبان مادری خود می‌اندیشند و در جایی می‌گویند: «زبان زاینده‌ی روح اقوام است» و نمی‌توان اندیشه و به عبارتی «فرهنگ» یک جامعه را از زبان آنان جدا کرد. [Storge, 1998: 27]. نظریات دیگری نیز در این خصوص از **لئو ویگاتسکی**^۲ و **ژان پل سارتر**^۳ وجود دارد که معتقد هستند، زبان و اندیشه‌ی متکلم، دو جزء لاینفک هستند و در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند. نمی‌توان به زبان و متکلم به عنوان دو جزء جدا از هم مانند فاعل و مفعول نگریست. هم‌چنین، **مارتین لوتر**^۴ و **فرانسیس بیکن**^۵ به یگانگی زبان و اندیشه معتقد هستند [Roche, 2001: 11-12].

«مهارت بین فرهنگی» در آموزش زبان

با توجه به بحث ارتباط زبان و فرهنگ و با این فرض که با ترجمه‌ی لغت به لغت جملات و رعایت قواعد دستوری زبان خارجی، امکان انتقال پیام وجود داشته باشد، باید دید آیا مخاطب، منظور متکلم را به‌طور کامل متوجه خواهد شد. اگر انتقال پیام از یک زبان به زبان دیگر و برقراری ارتباط با گویشوران یک زبان خارجی با استفاده از روش فوق امکان‌پذیر بود، آن‌گاه فراگیرندگان می‌توانستند با استفاده از کتاب دستور زبان و لغت‌نامه‌های دو زبانه، زبان خارجی مورد نظر را به راحتی فراگیرند و دیگر به برگزاری دوره‌های آموزشی متنوع و تألیف منابع گوناگون و وسایل کمک آموزشی و غیره نیازی نبود.

آن‌چه برقراری ارتباط کلامی را مشکل می‌سازد، وجود تفاوت‌های فرهنگی و تعابیر و برداشت‌های متفاوت بین متکلم و مخاطب است؛ به نحوی که هرچه فرهنگ‌ها از یکدیگر دورتر و متفاوت‌تر باشند، مشکل ارتباطی نیز بیشتر

خارجی» و «فرهنگ و جامعه» دو رکن اساسی «مهارت بین فرهنگی» هستند و شامل آشنایی با زبان، ادبیات، تاریخ، رفتارهای اجتماعی، ساختار سیاسی، قوانین حقوقی، ادیان و مذاهب، اقلیت‌ها، جغرافیا و تقسیم‌بندی کشوری می‌گردد. (فولکمن، ۱۵-۱۲) زبان‌آموزان علاوه بر آشنایی با دستور زبان، واژگان و قواعد جمله‌سازی با مبانی فوق نیز مأنوس می‌گردند و در برقراری ارتباط با گویشوران زبان مقصد، کمتر دچار سوءتفاهم می‌شوند.

آموزش زبان آلمانی در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

در پژوهش حاضر درخصوص آموزش زبان آلمانی در دوره‌ی راهنمایی در مدارس ایران، کتاب‌های آموزش زبان آلمانی از نقطه نظر چگونگی انتقال «مهارت بین فرهنگی» مورد بررسی قرار گرفت.

آموزش زبان خارجی در مدارس ایران، شامل آموزش زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی است. البته در اغلب مدارس، تنها زبان انگلیسی ارائه می‌شود و درصد بسیار ناچیزی از دانش‌آموزان، به فراگیری زبان‌های آلمانی و فرانسه می‌پردازند. سابقه‌ی آموزش زبان آلمانی در نظام آموزش و پرورش ایران به قبل از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در آن زمان، آموزش زبان آلمانی در هنرستان‌های فنی متداول بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تدریس زبان آلمانی با هدف ایجاد تغییر در سیاست آموزش تک‌زبانی در مدارس ایران از سال ۱۳۶۲ در دوره‌ی راهنمایی و با کمک کتاب‌های جدیدالتألیف «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت آموزش و پرورش مجدداً از سرگرفته شد. در حال حاضر نیز، آموزش زبان آلمانی در برخی از مدارس کشور به وسیله‌ی کتاب‌های یادشده صورت می‌پذیرد [گروه برنامه‌ریزی درسی زبان آلمانی، ۱۳۸۱: ۳].

آنچه برقراری ارتباط کلامی را
مشکل می‌سازد، وجود تفاوت‌های

فرهنگی و تعبیر و برداشت‌های
متفاوت بین متکلم و مخاطب است؛ به
نحوی که هرچه فرهنگ‌ها از یکدیگر
دورتر و متفاوت‌تر باشند، مشکل
ارتباطی نیز بیشتر خواهد بود

خواهد بود. برای مثال، نحوه‌ی مورد خطاب قرار دادن افراد با توجه به سن، جایگاه اجتماعی، رابطه‌ی میان متکلم و مخاطب، مناسبت‌های گوناگون و... در هر فرهنگ، متفاوت است. بی‌توجهی به ظرافت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، باعث ایجاد سوءتفاهم خواهد شد و انتقال پیام را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

نظرات افرادی مانند دل هایمز^۷، ساویگنون^۸، سوین^۹، کنیل^{۱۰}، گرینگ^{۱۱}، اشتیراشتورفر^{۱۲} که با عناوین «توانش ارتباطی»^{۱۳} و «مهارت بین فرهنگی»^{۱۴} شناخته می‌شوند، در علم آموزش زبان، تحولی اساسی به وجود آوردند. بر این اساس، تسلط کامل بر یک زبان خارجی چیزی فراتر از یادگیری قواعد دستوری و واژگان یک زبان است و زبان‌آموز باید بداند چگونه متکلمان یک زبان از آن استفاده می‌کنند. [دوستی‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۹].

هم‌چنین، می‌توان به نظرات کناپ - پوتهوف^{۱۵}، پیترووی^{۱۶} و برنلد دیتیش مولر^{۱۷}، درخصوص «مهارت بین فرهنگی» در فهم و کاربرد زبان خارجی اشاره کرد. در نظرات افراد یاد شده، آنچه بیش از همه مشهود است، تأکید آنان بر آشنایی زبان‌آموزان با «مهارت بین فرهنگی» است که نه تنها مانع بروز سوءتفاهم در ارتباطات کلامی می‌شود، بلکه به زبان‌آموزان می‌آموزد، نظرات مخالف و متفاوت را تحمل کنند و توانایی گفت‌وگو با سایر تمدن‌ها و ملل و آشنایی با سایر فرهنگ‌ها و سنن را به دست آورند [Volkman, 2002: 16-17].

آنچه ضرورت آشنایی با فرهنگ و جامعه را در کنار آموزش زبان خارجی مورد تأکید قرار می‌دهد، تشکیل جوامع چند ملیتی، گسترش سریع ارتباطات و افزایش تعاملات بین‌المللی است. امروزه به عقیده‌ی متخصصان، زبان صرفاً نظام بسته‌ی از قواعد دستوری و مجموعه‌ی واژگان نیست و صرف‌نظر از ساخت‌های نحوی و واژگان، بازتاب تفکرات، آداب و رسوم و به‌طور کلی فرهنگ خاص یک جامعه‌ی زبانی نیز هست. به عبارت دیگر، زبان هر ملتی، مجموعه‌ای از واژگان و قواعد دستوری خاص آن زبان در بستر فرهنگی همان زبان است [حقانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲].

«مهارت بین فرهنگی» در آموزش زبان خارجی به‌طور کلی به معنای توانایی و مهارت یافتن زبان‌آموزان در تشخیص و آگاهی از تفاوت‌های فرهنگ خودی و بیگانه و یافتن مناسب‌ترین رفتار و گفتار در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی به نحوی که مانع از بروز سوءتفاهم و یا برداشت‌های ناخواسته از سوی مخاطبان شود می‌باشد. آشنایی با «زبان

آشنایی با «زبان خارجی» و «فرهنگ و جامعه» دو رکن اساسی «مهارت بین فرهنگی» هستند و شامل آشنایی با زبان، ادبیات، تاریخ، رفتارهای اجتماعی، ساختار سیاسی، قوانین حقوقی، ادیان و مذاهب، اقلیت‌ها، جغرافیا و تقسیم‌بندی کشوری می‌گردد

هستند. با توجه به هدف این مقاله که بررسی انتقال «مهارت بین فرهنگی» است، شیوه‌نامه‌ی بررسی کتاب‌های آموزش زبان کروم، (۱۹۸۵: ۱۰۵-۱۰۰) که در بررسی مؤلفه‌های فرهنگی کاربرد دارد و شیوه‌نامه‌ی کاست (۱۹۹۴: ۸۸-۴۲)، برای بررسی تصاویر موجود در منابع درسی، در نظر گرفته شدند. کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی، طبق برنامه‌ی جدید وزارت آموزش و پرورش شامل سه کتاب مجزاست:

- آلمانی ۱، کد ۱۱۳، ۶۴ صفحه، ۱۳۸۵.
- آلمانی ۲، کد ۱۲۹، ۶۵ صفحه، ۱۳۸۳.
- آلمانی ۳، کد ۱۴۵، ۸۲ صفحه، ۱۳۸۶.

زمان اختصاص یافته به آموزش زبان در دوره‌ی راهنمایی جمعاً ۱۰ ساعت در هفته است که در سال اول دو ساعت و در سال‌های دوم و سوم چهار ساعت در هفته به آموزش زبان آلمانی پرداخته می‌شود. دانش‌آموزان طی دوره‌ی راهنمایی حدوداً با ۹۰۰ لغت آشنا می‌شوند. هر کتاب، شامل متن درسی به همراه تصاویر نقاشی شده، مباحث دستور زبان و تمرین‌های مربوط به آن‌هاست.

به منظور بررسی مؤلفه‌های فرهنگی، متون موجود در کتاب‌های یادشده بر پایه‌ی سه محور برگزیده از شیوه‌نامه‌ی بررسی کتاب‌های آموزش زبان کروم به شرح زیر، مورد تحقیق قرار گرفت:

۱. زندگی روزمره
 ۲. اطلاعات جامعه‌شناسی عمومی
 ۳. مناسبت‌های ملی، فرهنگی و مذهبی
- نتایج حاصل از بررسی و مطالعه‌ی منابع آموزشی یادشده بر اساس پرسش‌های فوق بدین قرار است:
- در کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی، از مسائل و موضوعات مربوط به زندگی شهری یک خانوادگی

بررسی چگونگی آموزش و انتقال «مهارت بین فرهنگی» به دانش‌آموزان، از طریق تجزیه و تحلیل کتاب‌های یادشده انجام شد. در «برنامه‌ی توسعه‌ی آموزش زبان، سال ۱۳۸۱» که در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تهیه شده است، ضرورت برقراری ارتباط با سایر ملل را در بخش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به منظور کارآمدی و موفقیت بیشتر در عرصه‌ی جهانی شدن، مورد تأکید قرار می‌گیرد و تسلط بر زبان‌های خارجی و مهارت‌های فناوری اطلاعات به عنوان کلید برقراری این ارتباط، معرفی می‌شود. از این رو، وزارت آموزش و پرورش به آموزش زبان‌های خارجی (انگلیسی، آلمانی و فرانسه) اهتمام ورزیده است [همان، ص ۲].

هم‌چنین، علاقه‌مندی ملت‌ها به انتقال روح و جوهر ارزش‌های فرهنگی خود و آشنایی با فرهنگ‌ها و اندیشه‌های گوناگون که آموزش زبان خارجی از ضروریات آن است، و آشنایی زبان‌آموزان با جنبه‌های مثبت فرهنگ آلمان که نظم و انضباط از جلوه‌های بارز آن است، به منظور ایجاد ارتباط صحیح و جلوگیری از بروز سوءتفاهم، مورد تأکید قرار گرفته است [همان، ص ۲ و ۵].

این برنامه، اهداف کلی و حیطه‌ی ارزشی آموزش زبان خارجی را آشنایی با ادیان آن کشور، دستیابی به منابع علمی، فرهنگی و فناوری کشورهای دیگر، درک لزوم و نیاز به فراگیری زبان‌های خارجی برای راه‌یابی به دنیایی جدید، ارج نهادن به گفت‌وگوی میان ملل مختلف برای انتقال علوم، و تفاهم با هم‌نوعان خارجی عنوان کرده است [همان، ص ۷]. با توجه به آنچه در «برنامه‌ی آموزش زبان آلمانی» در مدارس عنوان شد، توجه به انتقال «مهارت بین فرهنگی» به دانش‌آموزان، امری بسیار ضروری و یکی از اهداف آموزش زبان محسوب می‌شود.

بررسی کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

با توجه به گستردگی حوزه‌ی آموزش زبان خارجی، شیوه‌نامه‌های گوناگونی برای بررسی کتاب‌های آموزش زبان از زوایای متفاوت وجود دارد؛ برای مثال، هویر، مولر و شری، ۱۹۷۳؛ پیپو، ۱۹۷۵؛ رایزنر، ۱۹۷۸؛ فیلاو، ۱۹۸۱؛ کولدیک، ۱۹۸۱؛ برتولتی و دالت، ۱۹۸۴؛ انگلس، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹. البته معیارهای بررسی کتاب‌های آموزش زبان، نسبی و غالباً تک‌بعدی و وابسته به معلم، متعلم و منبع آموزشی

ایرانی از قشر متوسط جامعه در تهران برای تهیه‌ی متن درس استفاده شده است. مواردی مانند خرید روزانه، مدرسه، اوقات فراغت، امور منزل و نظایر آن مطرح می‌شوند. تمامی وقایع در ایران و در شهر تهران رخ می‌دهند و هیچ‌گونه اشاره‌ای به زندگی روزمره‌ی مردم کشورهای آلمانی زبان نمی‌شود.

● کتاب‌های آموزشی با کد ۱۱۳، ۱۲۹ و ۱۴۵ فاقد هرگونه نقشه‌ی جغرافیایی مربوط به آلمان و یا کشورهای آلمانی زبان هستند و هیچ‌گونه عکس یا تصویری که زندگی اجتماعی آن کشورها را به نمایش بگذارد، در این کتاب‌ها مشاهده نمی‌شود.

● در کتاب‌های یادشده، هیچ‌گونه مطلب یا موضوعی که دانش‌آموزان را با آداب و رسوم مردم کشورهای آلمانی زبان آشنا کند، به چشم نمی‌خورد. به مسائلی مانند مناسبت‌های مذهبی یا اجتماعی، نحوه‌ی برگزاری مراسم سال نو، اعیاد مذهبی و ... اشاره نشده است. مسائل فرهنگی یا حتی تفاوت‌های فرهنگی میان مردم دو کشور ایران و آلمان به‌طور کلی نادیده گرفته شده‌اند. حتی نام و نام خانوادگی افراد نیز از میان نام‌های متداول و معمول زبان فارسی انتخاب شده‌اند.

بررسی دقیق و تحلیل عمیق فرهنگ‌های مبدأ و مقصد و گزینش موضوعات و محتوا مبتنی بر اصول و اهداف برنامه‌ی درسی در هنگام تألیف کتاب‌های درسی زبان‌های خارجی از جمله وظایف مؤلفان است. زیرا بی‌توجهی به فرهنگ مبدأ به معنای توجه نکردن به ارزش‌های بومی و حذف فرهنگ‌های مقصد به معنای سردرگمی زبان‌آموز در برقراری ارتباط با متکلمان زبان‌های خارجی و عدم درک مفاهیم پنهان و یا کنایی کلمات، جملات و رفتارها خواهد بود. آموزش زبان خارجی باید فراتر از آموزش قواعد دستور زبان و انتقال ترجمه‌ی واژگان، زبان‌آموزان را برای رویارویی مستقیم و غیرمستقیم با حقایق فرهنگی کشور مقصد آماده کند و توانایی درک تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی را در وی به وجود آورد.

تصاویر کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

امروزه تعداد تصاویر کتاب‌های آموزش زبان خارجی در مقایسه با کتاب‌های قدیمی افزایش چشم‌گیری یافته است. به‌طور کلی، کتاب‌های جدید رنگین‌تر هستند. از

منظرهای گوناگون، دلایل متفاوتی برای وجود تصویر در کتاب‌های آموزش زبان خارجی مطرح شده است. وجود تصویر در منابع آموزش زبان از نظر اشتورم دارای چند علت عمده است:

- آشنایی با مؤلفه‌های فرهنگی؛
 - ایجاد سهولت در انجام تمرین‌های درسی؛
 - کمک به فهم بهتر مطالب دستوری؛
 - ساده کردن فرایند یادگیری؛
 - زیباسازی کتاب‌های آموزشی [Kast, 1994: 85].
- آنچه در مورد گزینش تصاویر اهمیت دارد، مرتبط بودن تصاویر با مطالب و متون درسی از یک‌سو و رعایت معیارها و ارزش‌های فرهنگی مخاطبین و تناسب تصاویر با سن و جنس زبان‌آموزان از سوی دیگر است [همان، ص ۸۶].
- تعداد تصاویری که در کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی به صورت نقاشی رنگی به چاپ رسیده، ۲۸۸ عدد است. در کتاب آلمانی سال اول دوره‌ی راهنمایی ۱۲۵، در کتاب سال دوم ۱۱۲ و در کتاب سال سوم ۵۱ تصویر وجود دارد. تصاویر موجود در کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی، افراد، نقش‌ها و وقایع موجود در متون درسی را به تصویر کشیده‌اند و ارتباط تنگاتنگی با متون درسی دارند. این تصاویر، جنبه‌های متفاوت جامعه‌ی ایرانی را به نمایش می‌گذارند. برای مثال، میوه‌فروش دوره‌گرد، نانوایی سنگکی، خواربارفروشی (بقالی) سنتی ایرانی، تاکسی‌های ایرانی و غیره.

راهکارهایی جهت انتقال «مهارت بین فرهنگی»
با توجه به نتایج بررسی کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی از منظر شیوه‌نامه‌ی کروم، چند راهکار اساسی برای بهبود وضعیت انتقال «مهارت بین فرهنگی» در کتاب‌های یاد شده پیشنهاد می‌شود:

- معرفی خانواده‌های آلمانی و ایرانی و مقایسه‌ی زندگی روزمره این دو با یکدیگر، ساختار خانوادگی، نقش اعضای خانواده، ارتباط اعضا با یکدیگر، نحوه‌ی خطاب قرار دادن یکدیگر، اوقات فراغت و مشغله‌ی اعضا، آشپزی و غذاهای ملی، چگونگی برقراری ارتباط با بستگان و ایجاد زمینه‌ی مقایسه و بحث درخصوص تفاوت‌ها و شباهت‌ها برای زبان‌آموزان، به نحوی که زبان‌آموز از فرهنگ خانواده‌ی ایرانی خودی آگاه‌تر شود و با ساختار و شرایط حاکم بر خانواده‌ی آلمانی آشنایی پیدا کند و توانایی درک و رویارویی با مسائل،

* Many thanks to the "Research Center for Foreign Languages" (ReCellt) at the University of Tehran

1. Humboldt
2. Lev Vygotsky
3. Jean Paul Sartre
4. Martin Luther
5. Francis Bacon
6. Dell Hymes
7. Savignon
8. Swain
9. Conale
10. Gehring
11. Stierstorfer
12. Communicative competence
13. Intercultural competence
14. Knapp, Knapp-Pothoff
15. Peter Doye
16. Bernd Dietrich Müller

و حل مستقل سوء تفاهم‌های احتمالی را به دست آورد.

● ارائه‌ی اطلاعات در مورد شرایط جغرافیایی، آداب و رسوم محلی و سنت‌ها در مناطق گوناگون کشورهای آلمانی‌زبان، آب‌وهوا، اسامی شهرها، رشته‌کوه‌ها، دریاها و رودخانه‌های مهم، نحوه‌ی پراکندگی جمعیت، کشاورزی، دام‌داری، باغداری و معرفی قطب‌های اقتصادی، ساختار سیاسی و فرهنگی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی بزرگ و معروف، گویش‌ها و گونه‌های زبانی که همگی ریشه در فرهنگ یک جامعه‌ی زبانی دارند، می‌تواند باعث ارتقای دانش زبان‌آموز در مورد کشور زبان مقصد شود. بدین ترتیب، بافت فرهنگی و اجتماعی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

● چاپ تصاویر مستند از زوایای گوناگون زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، شهرهای گوناگون، طبیعت، مناسبت‌های فرهنگی و اجتماعی، نقشه‌های جغرافیایی، مکان‌های تاریخی و باستانی.

منابع

- دوستی‌زاده، محمدرضا. «اهمیت انتقال فرهنگ در کسب مهارت‌های زبانی». پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره‌ی ۴۶. پاییز ۱۳۸۷.
- حقانی، نادر. «مهارت پنجم». پژوهش زبان‌های خارجی. شماره‌ی ۲۵. پاییز ۱۳۸۴.
- گروه برنامه‌ریزی درسی زبان آلمانی. راهنمای برنامه‌ی درسی زبان آلمانی در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۸۱.
- وجدانی، صدیقه و فیض‌الله‌زاده، توران. آلمانی سال اول دوره‌ی راهنمایی تحصیلی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۸۵.
- راهنمای تحصیلی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۸۳.
- وجدانی، صدیقه؛ مبصر، نیلوفر؛ و دیگران. آلمانی. سال سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۸۶.
- Byram, M. (1989): *Cultural Studies in Foreign Language Education*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Kast, B. Neuner, G. (Hrsg.) (1994): *Zur Analyse, Begutachtung und Entwicklung von Lehrwerken für den fremdsprachlichen Deutschunterricht*. Berlin: Langenscheidt.
- Krumm, H.J. et al (1985): *Stockholmer Kriterienkatalog zur Beurteilung von Lehrwerken des Faches Deutsch als Fremdsprache in den nordischen Ländern*. Stockholm: Universität Uppsala. Goethe Institut.
- Roche, J. (2001): *Interkulturelle Sprachdidaktik*. Eine Einführung. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Stolze, R. (1998): *Übersetzungstheorien*. Eine Einführung. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Volkman, L (2002): *Aspekte und Dimensionen interkultureller Kompetenz in: Interkulturelle Kompetenz. Konzepte und Praxis des Unterrichts*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.

علاوه بر موارد فوق می‌توان با توجه به انعکاس ویژگی‌های فرهنگی جامعه در متون ادبی، از این متون برای تهیه‌ی مواد آموزشی و تنظیم متن درس‌ها استفاده کرد. بدون شک استفاده از ادبیات کلاسیک و مدرن، معرفی ادیبان و اشاره به تاریخ ادبیات نیز در ارتقای دانش فرهنگی زبان‌آموزان مفید خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در برنامه‌ی درسی وزارت آموزش و پرورش، هدف از آموزش زبان آلمانی، برقراری ارتباط با کشورهای آلمانی زبان با هدف انتقال جوهر ارزش‌های فرهنگ ایرانی به گویشوران زبان و فرهنگ آلمانی و آشنایی دانش‌آموزان ایرانی با زبان، فرهنگ و اندیشه‌ی آلمانی عنوان شده است. این امر بدون در نظر گرفتن «مهارت بین فرهنگی» تحقق نمی‌پذیرد. برقراری ارتباط با فرهنگ‌های دیگر، مستلزم شناخت فرهنگ خودی و بیگانه و جلوگیری از سوء تفاهم‌های فرهنگی می‌باشد. در این نوشته، کتاب‌های آموزش زبان آلمانی دوره‌ی راهنمایی از منظر انتقال «مهارت بین فرهنگی» مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی نیز درخصوص بهبود آشنایی زبان‌آموزان با «مهارت بین فرهنگی» ارائه شده است. از آن‌جا که امکان انتقال «مهارت بین فرهنگی» در محیط واقعی برای دانش‌آموزان میسر نیست، این امر باید در کلاس‌های درس و با برنامه‌ریزی و مطالعه‌ی دقیق و جامع انجام گیرد.